

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جواد طیب

۱۶ جنوری ۲۰۲۰

اعتراضات جهانی و هیاهوی ما!



جهان هر روز بیشتر از پیش شاهد اعتراضات گسترده مردمی است، از امریکا و اروپا شروع تا افریقا و آسیا هیچ کشوری نیست که شهروندانش نسبت به وضعیت موجود معترض نباشند؛ اعتراضات میلیونی در چیلی، هایتی، کاتالونیا-اسپانیا، فرانسه، بریتانیا، هانگ کانگ، الجزایر، لبنان، اکوادور، مراکش، مصر، ترکیه، روسیه، عراق، ایران، هندوستان، پاکستان، غنا، اتیوپی و فهرست طولی از شهرها و کشورهای دیگر، هر روزه در مقیاس وسیع و گسترده در جهان در جریان است.

اگر جرقه های آغاز این نارضایتی ها بر مسأله خاصی مثل افزایش تکت قطار، استرداد مجرمان، بلند رفتن قیمت یک کالای خاص و وضع مالیه بر کالاهای معینی استوار باشند؛ اما بزودی شعله های این اعتراض ها متوجه خرمن کل نابرابریها و اشکال ستم های اجتماعی نظام حاکم در دنیا می شود. در هر کشوری و شهری، وقتی با اعتراض کننده ها مصاحبه می شود، هیچ کدام به طور صریح نمی گوید که تنها به خاطر موضوعات ذکر شده به خیابانها آمده اند و یا با رفع آنها، بر وضعیت عمومی موجود معترض نیستند. در همه جا، طبقات پائینی جامعه از شکاف طبقاتی، تمرکز

ثروت در دست اشخاص معدود، فقر گسترده، بیکاری، اعتیاد، جنگ، بدامنی، خشونت و در کل به نابرابری های اجتماعی- اقتصادی که ناشی از ناکارآمدی نظام سرمایه داری و سیاستهای ریاضت اقتصادی شان است معترض اند و به ستوه آمده اند. رشد تکنالوژی در پیوند به گستره ارتباطات جهانی از طریق رسانه های دیجیتالی، سطح آگاهی توده ها را بلند برده است. اگر خبر فقر، خشونت، جنگ، جنایت و همه مظاهر اجتماعی در دقایق و ثانیه ها از طریق رسانه های اجتماعی همه گیر می شود، دلایل رفاه و آسایش هم نمی تواند همانند مالکیت خصوصی تنها در چنگال چند میلیارد و میلیونر بماند. طبقات فرودست همانقدر که هر روزه به وسیله استثمار در مراودات بردگی مزدی از دایره ثروت اجتماعی دور پرت می شوند، به همان اندازه بر چرائی نابرابریهای اجتماعی در نظام های طبقاتی آگاه می شوند؛ امروزه دیگر نود و نه درصدی های خیابانی در همه جای دنیا واقف اند که « فقر نه در کنار ثروت بل عامل وجود آن است. »

انسانهای زیادی، روزانه بیش از پیش کار و زحمت می کشند؛ اما نه تنها که وضعیت اقتصادی شان بهتر نمی شود بلکه بدتر از گذشته، بیحقوق و فقیرتر می شوند. تلاش برای تحصیل و کسب مهارتهای کاری هر لحظه نسبت به گذشته فزونی می یابد؛ اما بیکاری و بی روزگاری، جوانان، کودکان، زنان و مردان را به کام اعتیاد و مرگ سوق می دهند. در دنیا هزاران مؤسسه، نهاد و سازمانهای خیریه و حامی صلح فعالیت دارند و هر روز هم بر کمیت آنها افزوده می شوند؛ ولی خشونت، فقر، نا امنی و شعله های جنگ، بشریت را در هر کجائی از جهان، محاصره کرده و به نیستی و تباهی می کشاند.

تولید مواد اولیه و مجموع نیازها و فراورده های بشری در یک تعدادی از کشور ها انبوه شده اند؛ اما جمعیت زیادی از کشورهای پیرامونی از بی غذایی، بی داروئی، بی سرپناهی و حتا نبود و سایل گرما، خون در بدن شان منجمد می شود؛ « سه تن از ثروت مندترین مردان، در ایالات متحده جف بزوس، بیل گیتس و وارن بافت، دارائی شان بیشتر از نصف جمعیت امریکا است. » اینها بزودی از لباسهایی استفاده خواهند کرد که با انترنیت وصل اند، مدتها است که ساعت، عینک و دیگر وسایل شان متصل به انترنیت شده اند، از بهترین موتر استفاده می کنند که بدون راننده و با هوش مصنوعی، هدایت می شوند.

به همین زودی رباتها و دستگاه های هوش مصنوعی شامل هیأت مدیره شرکت ها خواهند شد. از مهندسی ژنیتک، نانو تکنالوژی، پول دیجیتالی، روباتیک پیشرفته و ... در مسایل مریضی و غیره و رتق و رق امور شان، استفاده می کنند؛ این در حالی است که رقم آمار بیکاران بیش از هفتاد درصد بزرگتر از جمعیت فعال است و بیشتری از متقاضیان کار، حتا امکان حضور و ورود را برای انجام دادن کار در یک شرکت و مؤسسه ای ندارند؛ ولی ماشین، که چیزی نیست جز کار تراکم یافته کارگر، شامل هیأت مدیره می شود.

وضعیت حمل و نقل نزد اکثریت جامعه به گونه ای است که هنوز برای حمل و انتقال کتله های بزرگ و سنگین مواد و محصولات، از انسانها و حیوانات استفاده می کنند. در دنیا به تعداد چند نفر از قیل قوه کار دیگران به مرحله ای می رسند که در این امور از سیستمهای پیشرفته تکنالوژی استفاده می کنند.

به همین گونه در هر دم و باز دم ما، کودک، مادر و انسانی در گوشه و کنار جهان به سبب عدم دسترسی به ابتدائی ترین درمان و داروئی که در همه جا باید موجود باشد و است، جان می دهند. چه رسد به نانو تکنالوژی و مهندسی ژنتیک در تداوی و درمان طبقات فرو دست. انباشت پول به عنوان قدرت اجتماعی نزد چند میلیارد جهانی، موضوع را به مرحله پول دیجیتالی رسانده است. اما در نزد نه دهم جامعه، دقیقاً پول همان خدائی است که همه از پی آن صبح تا

شام به هر در و دیواری خود را می کوبند تا نشانه ای از آن را ببینند؛ ولی با تأسف کمتر کسی موفق به دیدارش می شود.

به هر حال این که بشریت توانائی این همه خلاقیت و ظرفیت را دارا است، جای مباحثات و بالیدن است؛ ولی اصل مسأله اساسی این است که نظام نابرابر حاکم در جهان قدرت خلاقیت و ظرفیت بشری را تحت قیمومیت مالکیت خصوصی در آورده و در چنگ اشخاص معدودی است و مانع می شود که تکنولوژیک در ابعاد مختلف در جهت رفع نیازمندیها و زودون کل مایحتاج آدمها به دور از تعلقات انتنیک، تباری و موقعیتهای اجتماعی و جغرافیائی، به کار گرفته شود.



اساس اعتراضات جهانی به این جا می رسد که نودوننه در صدی های جامعه (طبقات فرودست) با آن که تولید کننده کل کالاهای جهانی به شمول پول است؛ اما مالک هیچ چیزی نیستند و سهمی را هم از کل تولید نعم مادی نمی برند. در مقابل یک در صدی های جامعه (طبقه فرادست) مالک همه چیز است، بدون آن که خالق فراوده ای باشند. اعتراضات در هر کجائی از دنیا بیشتر از اینجا و نسبت به نابرابریها صورت می گیرد.

بحث این که اعتراضات در هر نقطه جهان فرق می کنند، گویا، در جائی کاملاً سیاسی است و در مکان دیگر، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی است، متوجه نظامهای نیولیبرالیسم در سراسر جهان است. اساس اعتراضات در گام نخست در هر گوشه جهان نسبت به نظام نابرابر، زن ستیز، آدم کش، کودک آزار، جنگ افروز و خون آشام سرمایه داری است در تمامی ابعاد آن است. نه فقط به مرحله معین سرمایه داری یعنی نیولیبرالیسم.

در افغانستان هم، جامعه بیش از پیش به « دو اروگاه بزرگ متخاصم » و دو قطب متضاد؛ یعنی « قطب سهامداران کارکنن و قطب کارگران مزد بگیر غیر- مالک » تقسیم شده است. جنبشهایی اعتراضی مانند جنبش علیه بیکاری، جنبش تبسم و فرخنده، تیشه را باید هرچه محکم تر به ریشه نابرابری ها و اشکال ستم اجتماعی در نظام سرمایه داری پیرامونی این کشور بکوبند؛ تا هیاوئی جهت به قدرت رساندن این یا آن بخشی از بورژوازی.